

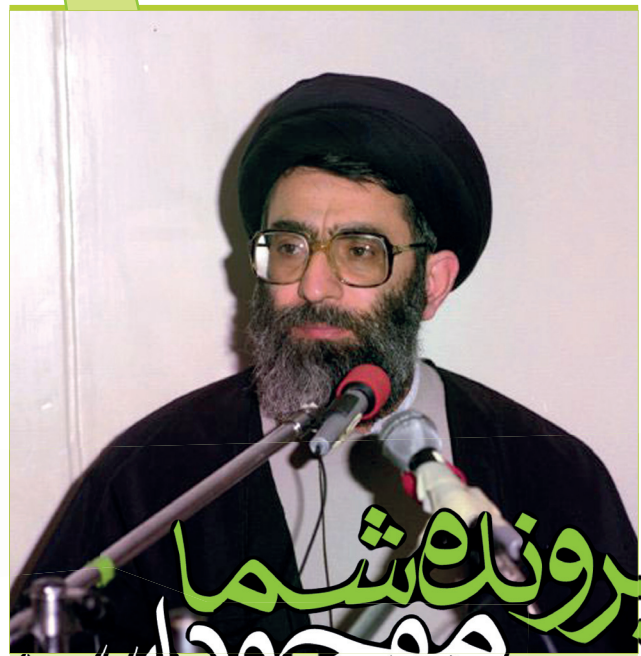
همه چیز از ۲۴ تیر «۲۸ صفر» ۱۳۱۸ هـ ش در مشهد آغاز شد. تولد دومین فرزند خانواده، منزل محقر و ساده پدری را شور بخشید. پدرمقام معظم رهبری «حجت الاسلام سید جواد خامنه‌ای» از علمای زاهد و بنام مشهد بود و مادر ایشان «صبیّه حجت الاسلام سید هاشم نجف آبادی» بودند.

سید علی خامنه‌ای از چهار سالگی قرآن را در مکتب‌خانه فرا گرفت و از هفت سالگی راهی دبستان شد. دوره سیکل و دبیرستان را فقط در سه سال گذراند و به موازات دروس کلاسیک، به تحصیلات حوزوی در مدرسه نواب پرداخت.

در هجده سالگی، همزمان با اخذ دیپلم، موفق به گذراندن دروس سطح نزد پدر و اساتید دیگر حوزه مشهد شد. بعد از مدتی به شوق آشنایی با حوزه‌های علمیه جهان تشیع و مؤانست با شیوه‌های تدریس در مراکز علمی راهی نجف شد و دو سال در آنجا اقامت کردند. سپس به قم مهاجرت کرد و در محضر اساتیدی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و حضرت آیت‌الله حائری به کسب فیض پرداخت.

کم‌کم با ظهور بارقه‌های انقلاب اسلامی و مبارزه با دستگاه ظلم پهلوی، مبارزات آیت‌الله خامنه‌ای هم آغاز شد که در جریان این مبارزات، مرارت‌های بسیاری را متحمل شدند.

نمونه این مشقت‌ها بازداشت‌های مکرر ایشان توسط ساواک بود که در این متن در این متن اشاره‌ای به گوشه‌های مبارزات ایشان خواهد شد.



پس از آزادی از زندان ساواک، اولین اقدام که نشان از شجاعت ایشان داشت رفتن به دیدار امام در منزل ایشان واقع در قیطریه تهران بود! سپس به همراه ده نفر از روحانیون به تشکیل جلسه‌ای راجع به ایجاد تشکیلاتی مخفی با هدف سامان‌دهی فعالیت‌های حوزه علمیه قم و سپس مردم در جهت و خط امام خمینی؛ پرداختند.

(این تشکیلات در سال ۴۴ تشکیلات لو رفت.) ایشان از مدتی قبل نیز به علت ترجمه کتاب «آینده در قلمرو اسلام» مجبور به ترک مشهد شده بودند. بخصوص که مقدمه و پاورقی‌های این کتاب، ساواک را به شدت نگران کرده بود و باعث شد کتاب در چاپخانه توقیف شود. کلاس‌های تفسیر و حدیث و اندیشه اسلامی ایشان در تهران و مشهد که با استقبال کم‌نظیر جوانان انقلابی روبرو شده بود، باعث عصبانیت بیش‌تر ساواک و باعث شد باز هم عوامل ساواک به تعقیب ایشان بپیوندند و سرانجام روز ۴ فروردین ۴۶ در مشهد آیت‌الله خامنه‌ای برای چندمین بار دستگیر و روانه زندان شدند که این دوره از زندان ایشان حدود ۴ ماه به طول انجامید.

این منبر در شهر صدا کرد و ایشان صبح روز بعد در مجلس دیگری در منزل شخصی و در حضور مردم بحث شب گذشته را ادامه دادند. این‌گونه منبرهای آیت‌الله خامنه‌ای تا روز نهم محرم ادامه پیدا کرد و کار به جایی رسید که گرچه رژیم در روزهای تاسوعا و عاشورا روحانیون را دستگیر نمی‌کرد، اما ساواک از شدت وحشت حاصل از سخنرانی‌های اخیر آیت‌الله خامنه‌ای، در روز نهم محرم ایشان را دستگیر می‌کنند و دو روز در بیرجند نگه می‌دارند و سپس به ساواک مشهد می‌فرستند که همین دستگیری هم سهم بسزایی در بیداری مردم می‌گذارد.

تمامی این جریان‌ها باعث شد محرم آن سال، مشهد پس از تهران بیش‌ترین مشکل را برای رژیم فراهم آورد.

ساواک با آیت‌الله خامنه‌ای که رسول پیام‌ها بود و نقش اساسی در قیام مردم داشت، با چنان شدت و خشونت رفتار کرد که این‌گونه رفتار با روحانیت تا آن زمان، بی سابقه بود. ایشان ابتدا در ساواک و از آن‌جا به زندانی مخروبه منتقل شد.

شروع مبارزات:

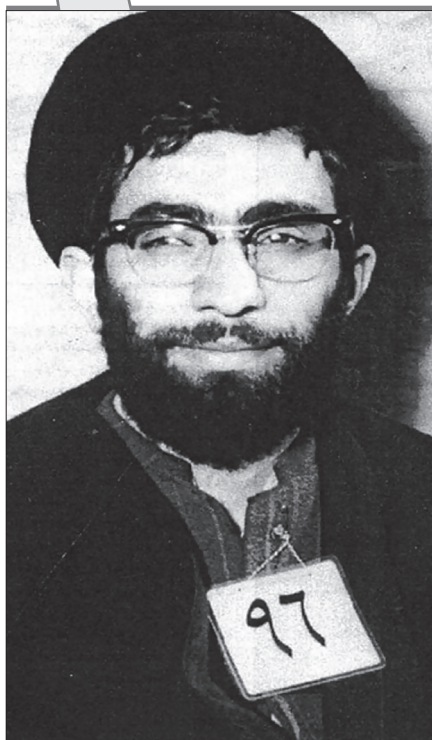
حوزه علمیه قم در سال ۴۱ با ندای حضرت امام خمینی؛ برای مبارزه با دستگاه فاسد پهلوی به پا خاست. کم‌کم این ندا به سایر حوزه‌های علمیه منتقل شد که از مهم‌ترین‌شان حوزه علمیه مشهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای نقش سازنده و عظیمی در این زمینه داشت و ضمن فعالیت در قم، ارتباط خود را با علماء و طلاب مشهد تقویت می‌کرد.

این فعالیت‌ها آنچنان مؤثر و چشمگیر بود که در سال ۴۲ از طرف امام خمینی؛ مأموریت یافتند پیام‌های امام را به آیت‌الله میلانی و علمای خراسان و مردم برسانند. (پیام سال ۱۳۴۲ سرنوشت‌سازی که ۱۵ خرداد را رقم زد.)

تصمیم بر آن بود از روز هفت محرم آن سال، مسائل روز و اوضاع سیاسی، اجتماعی و مسئله مدرسه فیضیه و نقشه‌های پنهان رژیم برای مردم شرح داده شود و سهم آیت‌الله خامنه‌ای، از این برنامه شهر بیرجند بود که مرکز قدرت و سیطره رژیم و اسدالله علم، نخست وزیر وقت بود.

ایشان از روز سوم محرم به منبر رفت و در روز هفتم محرم در میان مردم، قضایای مدرسه علمیه قم را با بیانی گیرا و پر شور بیان و مرد را آگاه کردند.



۴

پس از آزادی، مبارزات ایشان ادامه یافت و دامنه این مبارزات به اکثر شهرها و روستاها کشیده شد. در ماه رمضان سال ۴۲ مصادف با سالگرد رفتارندوم قلابی شاه و در حالی که امام ۲۰ در حبس بودند، روحانیت و شاگردان نزدیک امام به فعالیت‌های خود ادامه داده و با سفر به اطراف کشور به روشنگری مردم پرداختند. آیت‌الله خامنه‌ای مدتی بعد و پس از آزادی مجدد، به کرمان سفر کردند و در حضور دو سه روزه‌شان در این شهر به سخنرانی و دیدار و مذاکره با علماء و طلاب و مبارزین مبارز پرداختند. سپس از آن‌جا به زاهدان رفتند و در مسجد جامع این شهر سخنرانی پر شوری ایراد کردند. شب شانزدهم رمضان، هم‌زمان با ولادت امام حسن مجتبی، سخنرانی داغ و پر شور آیت‌الله خامنه‌ای همراه با بیان صریح مطالب موجب شد همان شب توسط ساواک دستگیر شده و با هواپیما به تهران و زندان قزل قلعه منتقل شوند و حدود دو سه ماه در این زندان بمانند.

۵

سال ۴۹ و پس از فوت آیت‌الله حکیم، در رابطه با تبلیغ خط امام و مرجعیت ایشان مجدد دستگیر و زندانی شدند.

۳

این بار هم پس از رهایی از زندان، مجدداً به فعالیت پرداختند. از جمله این فعالیت‌ها در تهران و در انجمن اسلامی مهندسی در شب‌های تاسوعا و عاشورای محرم ۴۹ بود که در این جلسات درباره حدیث «من رأى سلطان جائراً» سخنرانی پر شوری ایراد کردند. سپس گروه‌های مسلح زیرزمینی که از سال ۴۸ زمینه حضورشان در ایران محسوس بود، با ایشان تماس گرفته و در ارتباط با همین گروه‌ها در سال ۵۰ پس از عملیات انفجار دکل‌های برق هنگام جشن‌های دو هزار و پانصد ساله حکومت پهلوی، دستگیر و این بار تحت شکنجه‌های شدید و در سلولی تاریک و نمور و بدون روشنایی زندانی شدند که این بار هم ساواک بعد از حدود دو ماه، به ناچار ایشان را آزاد کردند.

۸

این بار مسئولیت‌ها بیش از گذشته بود. با اوج گرفتن مبارزات و آشکار شدن منافقین و احساس روحانیت و مردم به لزوم وجود تشکیلی اسلامی که در رأس آن به‌جای افراد عادی و سیاسی، روحانیون آشنا به فقه و سیاست باشند، در مشهد هسته اولیه این تشکل با رهبری امام و مدیریت روحانیت متعهد و انقلابی شکل گرفت. شهید مطهری همان سال با پیامی که از نجف از طرف حضرت امام آورده بود، مبارزین سابقه‌دار را دور هم جمع کرد. همین ارتباط باعث شد تظاهرات عظیم سال ۵۶ و ۵۷ سازمان یابد که نقش آیت‌الله خامنه‌ای در پایه‌گذاری این تشکل بسیار قابل توجه بود. در گیر و دار این فعالیت‌ها و در نقطه اوج‌گیری انقلاب در سال ۵۶، رژیم پهلوی با نهایت خشونت برای هفتمین بار ایشان را دستگیر و پس از چند شب زندان به ایرانشهر تبعید کرد. همان سال بود که در ایرانشهر سیلی آمد که ایشان با استفاده از تجربه فردوس و گناباد، گروهی از روحانیون و طلاب را بسیج نموده و گروه امداد روحانیون را تشکیل دادند. این گروه به قدری در کار امداد مردم موفق شد که ساواک به وحشت افتاد و ایشان را احضار کرده و رئیس ساواک به معظله می‌گوید: «دیشب در کمسیون امنیت شهربانی به ساواک گفتم شما چقدر بی عرضه هستید که هیچ کاری نکردید! یک تبعیدی ببینید این‌جا چه اوضاعی درست کرده!» تبعید تا سال ۵۷ طول کشید و در این سال با اوج‌گیری انقلاب و خارج شدن کنترل اوضاع از دست رژیم، آیت‌الله خامنه‌ای به مشهد باز می‌گردد و تا پیروزی انقلاب اسلامی بیش از پیش به فعالیت می‌پردازند.

۷

این بار مسجد امام حسن مشهد که در آن زمان مسجد کوچکی بود، به پایگاه‌های مبارزه ایشان اضافه شد و ایشان در آن مسجد به اصرار مردم به اقامه نماز جماعت و درس تفسیر می‌پرداختند که در حقیقت با این کار علاوه بر ارتباط‌های مخفی و محدود، ارتباط مستقیم شبانه‌روزی از طریق مسجد با توده‌های مردم ایجاد می‌شد. پس از مدتی برای امامت جماعت مسجد کرامت در نزدیکی باغ نادری مشهد که یکی از شلوغ‌ترین و حساس‌ترین نقاط شهر بود دعوت شدند که به علت ازدحام جمعیت و استقبال توده‌های انبوه، ساواک مسجد را برای مدتی تعطیل کرد. این فعالیت‌ها موجب شد در دی ماه ۵۳، یک بار دیگر ساواک بی‌رحمانه به خانه ایشان در مشهد هجوم برده، ایشان را دستگیر و بسیاری از یادداشت‌های ایشان را ضبط کرد. این ششمین و سخت‌ترین بازداشت ایشان بود و تا پاییز ۵۴ در زندان کمیته مشترک شهربانی بودند. سختی‌هایی که ایشان در این بازداشت متحمل شدند به تعبیر خودشان «فقط برای آنان که آن شرایط را دیده‌اند قابل فهم است»

۶

این بار هم پس از رهایی از زندان، مجدداً به فعالیت پرداختند. از جمله این فعالیت‌ها در تهران و در انجمن اسلامی مهندسی در شب‌های تاسوعا و عاشورای محرم ۴۹ بود که در این جلسات درباره حدیث «من رأى سلطان جائراً» سخنرانی پر شوری ایراد کردند. سپس گروه‌های مسلح زیرزمینی که از سال ۴۸ زمینه حضورشان در ایران محسوس بود، با ایشان تماس گرفته و در ارتباط با همین گروه‌ها در سال ۵۰ پس از عملیات انفجار دکل‌های برق هنگام جشن‌های دو هزار و پانصد ساله حکومت پهلوی، دستگیر و این بار تحت شکنجه‌های شدید و در سلولی تاریک و نمور و بدون روشنایی زندانی شدند که این بار هم ساواک بعد از حدود دو ماه، به ناچار ایشان را آزاد کردند.